

ورس ۱

تو گفתי پرواز ، من بدون بال یه سرزمین بال زدم  
تو گفתי مسیر ، من بدون پا کیلومترها راه رفتم  
تو گفתי دیدن ، چشمامو بستم بی کران نگاه کردم  
تو گفתי حرف ، زبونم بند اومد تا شناخت صدا زدم  
تو گفתי آب ، اقیانوس خشک شد قطره ها قیام کردن  
تو گفתי غم ، دلم گرفت زل زدم به پنجره  
تو گفתי فهم ، آماده نبودم با جسم وداع کردم...

ورس ۲

من همون شوق هم آغوشی با راهبه هام / لبریز از دروغای فکاهی آینه هام / دستام آغشته به دریان / ساحل نداع  
کن یا آهسته بزن جار / این حجم نبودن ، یعنی جدال من با موج ، هراسم از طوفان ، اما درد من طاقتشو بلعید /  
وقتی ژاکتو کندی و عریان کرد / شکوه عشق چوبیت فوبیا من // از موج زدنم بگذر / به خوبیا بنگر / من هجوم جبر  
زجه زدن تازیانه هام / من سنگریز خشت تا خشت آشیانه هام / یه دیوار به بلندای تنفر بین عشق آسیاب به باد / من  
ساز ناکوک رقص کولیا / که با دستای خالی به سمت تو میام / من همون تیکه چوبم ضیافته اره / قدرتم یه باده که  
یمارم به سمت / صدای ضربه هات زمزمه مرگه / کند میشه لحظه ها / رسیده ساعته وداعه با بچه هام / لباساشون  
زرده / اما من ، به خودم میبالم / که عاشقونه ترین فصلتون میسازم / وجودم ناچیزه / مرگ من بهار بود شروع پاییزه...